

# حس مکان در فضای شهری

توسط: سیواوش کرباسی

در نظر من مکان شهری بدون حضور معماری (اثر معماری) نمی تواند به وجود آید. بنابراین هر جا که حس مکان شهری وجود دارد، حتماً معماری هم وجود دارد. اما آثار معماری همیشه به تنهایی شکل دهنده ی حس مکان شهری نیستند، اینجا حس مکانی فرد با چند موضوع دیگر نیز درگیر می شود. از آن جمله می توان به تأثیر شهر سازی، اغراق و بزرگنمایی، کاربری مکان (نوع فعالیت) و در آخر خاطرات فرد و المان های ذهنی اش اشاره کرد.

## 1. معماری + شهرسازی = حس مکان فضای شهری

تعیین مکان حضور یک اثر معماری در یک محدوده ی شهری در ایجاد حس مکان توسط این دو عامل (معماری و شهرسازی) می تواند بسیار موثر باشد همانگونه که از این ویژگی به کرات در طول تاریخ استفاده شده است ( خصوصاً اماکن مذهبی در قدیم). در این جا برنامه ی شهرساز است که تعیین می کند عنصر معماری ای که قرار است به محل اضافه شود باید خودنمایی کند و محور تمام اتفاقات داخل محدوده باشد و یا اینکه مجموعه ای از آثار یک شاخصه را به وجود می آورند.

## 2. معماری (شهرسازی) + بزرگنمایی = حس مکان فضای شهری

اصولاً تقسیم بندی در درک فرد از مکانی که در آن قرار گرفته است بسیار موثر است. معمولاً انسان برای درک محیط پیرامون خود و یا اجسامی که می بیند از مقایسه با تناسبات قابل درک بهره می گیرد. البته این اتفاق همیشه به صورت ماشینی انجام نمی شود، منظور این است که انسان برای اینکه از دیدن یک دره ی عمیق متعجب شود ابتدا آن را با ارتفاع سقف اتومبیلش تا زمین مقایسه نمی کند و بعد در کمال خونسردی به ناگاه کاملاً دگرگون و متحیر شود.

شاید ملموس ترین نمونه برای درک این موضوع میدان نقش جهان (شاه) اصفهان باشد. در این میدان گاه برای بزرگتر جلوه دادن طول میدان دو عنصر شاخص معماری یعنی کاخ عالی قاپو و مسجد شیخ لطف الله در نقطه ی میانی میدان قرار نگرفته اند و این کار به عمد و برای تأثیر بیشتر میدان بر بازدید کننده و پر عظمت نشان دادن میدان به کار گرفته شده است و به نحوی خوب همین تصور را در ذهن بازدید کننده ایجاد می کند.

## 3. معماری + کاربری مکان = حس مکان فضای شهری

کاربری نیز یکی از عواملی است که در ایجاد یک حس شهری بسیار تأثیر گذار است. البته این مورد در جامع هی شهری امروز کمتر مشاهده می شود و خیلی ملموس نیست. اما اگر به بافت های قدیمی سر بزنید که نوز به همان شکل و سیاق فعالند متوجه این مسأله خواهید شد. برای نمونه من در اینجا به بازار یزد اشاره می کنم. اگر به بازار واقع در خیابان قیام یزد (بازار خان) بروید قطعاً متوجه تفاوت های حسی در مکان هایی خواهید شد که چه از نظر ساخت معماری و چه از نظر ساخت شهرسازی بسیار ( عیناً) شبیه به هم هستند. اما آنچه که مسلم است حس حاکم در مکانی چون بازار زرگرها با بازار مسگرها کاملاً متفاوت است.

## 4. معماری و شهرسازی + خاطرات = حس مکان فضای شهری

همه ی افراد در برخی از نقاط شهر دارای خاطراتی هستند که در جریاناتی شخصی و گاهی ملی برایشان پیش آمده اند. مثلاً خاطره ی راهپیمایی در یک روز خاص، اولین قرار ملاقات با یک دوست. این مورد برای معماران و شهرسازان هم می تواند بسیار قوی باشد (پیش بیاید) اولین ساختمانی که در محلی توسط خود فرد ساخته شده است یا اولین پروژه ی شهری و امثال این. در نتیجه خاطرات یک شخص (یک جمع) از یک مکان می تواند بر حس آن ها از فضای شهری کاملاً تأثیر گذار باشد. این عامل حتی گاهی در جاهای دیگری که مشابه مکان موردنظر (مکانی که در اتفاق خاصی افتاده) هستند نیز پیش می آید و با یادآوری خاطرات گذشته حس فرد نسبت به مکانی که احتمالاً از جای قبلی بسیار دور است زنده می شود.